

جانان ویلیامز



با باطل دانستن تثلیث از مسیحیت خارج و
با فهم توحید مسلمان و شیعه شدم

با باطل دانستن تثلیث از مسیحیت خارج و با فهم توحید مسلمان و شیعه شدم

من در هتیزبرگ، شهری در ایالت می‌سی‌سی‌پی کشور آمریکا متولد شدم؛ اسم من رفیع است و قبل از مسلمان شدن، جاناتان ویلیامز بوده است. در سال ۱۹۹۱ مسلمان شدم، در آن زمان من در نظام بودم، به هر حال در آمریکا متولد شدم.

والدینم مسیحی بودند، پدرم جزء فرقه پنطیکاست بود و مادرم تعمیدی بود.

هنگامی که پنج سال داشتم به کلیسا می‌رفتم گرچه والدینم چندان مذهبی نبودند.

مادرم در سال ۲۰۰۳ از دنیا رفت.

بعد از سربازی به شهرم برگشتم، و بعد از مدت کوتاهی به کارولینای

شمالی رفتم و آن‌جا مسلمان شدم و از نیمهٔ عمرم به اسلام عمل می‌کنم.

هنگامی که پنج ساله بودم به کلیسا می‌رفتم، ولی از فریادهای خوشحالی

سخنرانان تعمیدی خوشم نمی‌آمد، حتی برای کودکان ترسناک بود!

من در نوجوانی کلیسا را ترک کردم، من خیلی مذهبی بودم اما منظورم

این نیست که یک مسیحی خیلی خوب بودم یا چیزی شبیه این؛

من به خدا اعتقاد داشتم اما تثلیث را نمی‌توانستم بپذیرم.

پدر، پسر و روح القدس را سه شخص برای خدا نمی‌دانستم. در سال ۱۹۸۸ که از دبیرستان فارغ‌التحصیل شدم و سال اول خدمت سربازی‌ام بودم، در مجالسی شرکت می‌کردم که شراب و چیزهای دیگر بود.

می‌خواستم بعد از سربازی زندگی‌ام را متحول کنم از این رو به کلیسا برگشتم. ولی یکشنبه‌ها و چهارشنبه‌ها که به کلیسا می‌رفتم، کارها همه تکراری بود.

بعد از ساعت‌ها در کلیسا باز نمی‌توانستم عقاید مسیحی مثل تثلیث را بپذیرم.

و باز به رفتارهای گذشته بازگشتم. یکی از دوستان مادرم که مسلمان بود، به من گفت راجع به اسلام مطالعه کن. در می‌سی‌سی‌پی می‌گفتند: «اسلام دین ترس از خداست و این الله غیر از دیگر خدایان است و فقط دستور می‌دهد و مجازات می‌کند، اسلام دین بت‌پرستان است».

وقتی دوستم گفت راجع به مسلمانان مطالعه کن، گفتم مسلمانان به خدا اعتقاد ندارند! اما او گفت نه، ما به خدا ایمان داریم و راجع به اسلام مطالعه کن.

به مطالعه کتب اسلامی پرداختم، قرآن را که مطالعه می‌کردم گویا تاریخ همه انبیاء را مطالعه می‌کردم؛ در مورد حضرت آدم، موسی، نوح، ابراهیم و یک پیامبر جدید دیگر به نام حضرت محمد.

با خودم گفتم این دینی است که من می‌توانم قبول کنم، اسلام دین توحید است.

خدا یکی است و شریکی ندارد. در قلب خود اسلام را پذیرفتم و حدود یک ماه بعد از مطالعه قرآن، شهادتین را گفتم و مسلمان شدم.

تغییر دین یک لحظه حساسی در زندگی است. در ۱۹۹۱ مسلمان شدم، هنگامی که مسلمان شدم سنی‌ها را می‌شناختم ولی چیزی راجع به اختلاف شیعه و سنی نمی‌دانستم چون من ۲۱ سال سن داشتم و تازه مسلمان بودم، یکی از مسلمانان گفت شیعه هستی یا سنی؟ و من تا آن زمان اسم شیعه را نیز نشنیده بودم.

او به من کتاب تاریخ اسلام بعد از وفات پیامبر را داد و الحمدلله شیعه شدم.

چون پیامبر اکرم از ما خواسته است پیرو علی علیه‌السلام و فرزندانش باشیم.



@aparat.com/be
_sooye_zohoor



v_bagherpour_
kashani



@seratehagh1



besouyezohour



bagherpour-
kashani.com/



@serat12k



youtube.
com/c/seratehagh



https:
//naakhodaa.ir